



## درس فراج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

تاریخ: ۲۷ شهریور ۱۴۰۳

مصادف با: ۱۳ ربیع الاول ۱۴۴۶

موضوع جزئی: مروری بر مباحث سال گذشته - پیشینه بحث - موضوع شناسی: ۱. پول -

جهت اول: مراحل دهگانه پول - جهت دوم: تعریف پول - جهت سوم: تقسیمات پول - جهت چهارم: تحلیل ماهیت پول

جلسه: ۱

سال دوم

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### مروری بر مباحث سال گذشته

موضوع بحث ما در روزهای سه شنبه و چهارشنبه، کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن است. ما سال گذشته طی ۴۲ جلسه به برخی از مباحث مقدماتی این بحث پرداختیم. من ابتداءً یک مروری بر مباحث سال گذشته خواهم داشت که ممکن است یک یا دو جلسه طول بکشد؛ اما از آنجا که آن مباحث مقدمیت برای مباحث امسال دارد و نتایجی که در آن موضوعات حاصل شده، مبنای مورد استفاده در مسائل بعدی است، لذا یک مرور اجمالی و سریع نسبت به بحث‌های سال گذشته خواهیم داشت.

### پیشینه بحث

اولین مطلبی که مورد بررسی قرار گرفت، این بود که این عنوان و موضوعی که برای بحث انتخاب شده، آیا یک مسئله مستحدث است یا مسئله‌ای است که در گذشته هم مطرح بوده است؟ عرض کردیم سه احتمال در این رابطه وجود دارد:

۱. یکی اینکه این مسئله از قدیم الایام بوده و مسئله جدید و نوپدید محسوب نمی‌شود.

۲. احتمال دوم اینکه این مسئله به طور کلی یک مسئله مستحدثه است و نمی‌توانیم سابقه‌ای برای آن در گذشته پیدا کنیم.

۳. احتمال سوم اینکه این مسئله به شکل بسیط در گذشته مطرح بوده لکن شرایط جدید و تحولاتی که در عرصه‌های مختلف به وجود آمد، موجب شد که این مسئله از آن بساطتی که در گذشته داشت، به پیچیدگی‌هایی برسد و یک تفاوت‌هایی ایجاد شود.

آنچه که مورد قبول و پذیرش ما قرار گرفت، همین احتمال سوم بود. ما این را با شواهد تاریخی و روایی ثابت کردیم؛ عرض کردیم مسئله تورم گرچه به نظر عده‌ای یک مسئله جدید و زاییده پول به معنای جدید است، اما این مسئله از گذشته هم وجود داشته، منتها خیلی پیچیده نبود. تورم با گرانی فرق دارد؛ کسانی که می‌گویند تورم از گذشته نبوده، عمدتاً می‌گویند در گذشته گرانی بود اما تورم نبود. بین گرانی و تورم، تفاوت است؛ تورم به معنای افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست و عبارت آخرای آن کاهش ارزش پول است، اما گرانی، افزایش قیمت در یک کالا یا یک شیء خاص است. به هر حال ما با شواهد تاریخی و روایی اثبات کردیم که این موضوع از گذشته مطرح بوده است. البته یکی از موضوعاتی که باید درباره آن بیشتر سخن بگوییم، خود تورم است؛ در بحث موضوع شناسی ما درباره تورم بیشتر سخن خواهیم گفت. بالاخره در تورم اختلاف نظر است؛ یکی می‌گوید تورم عبارت از درصد تغییر متوسط قیمت کالاها است؛ یکی تورم را به معنای افزایش سرعت رشد قیمت همه کالاها

می‌داند؛ تعاریف مختلفی برای تورم ذکر شده که ما اینها را ذکر خواهیم کرد. اما اجمالاً تورم با گرانی کاملاً متفاوت است. روایات هم به عنوان مؤید وجود تورم در سابقه و پیشینه مبادلات اقتصادی مردم هست؛ این هم در تاریخ اسلام و هم در تاریخ مغرب زمین با ذکر نمونه‌هایی مورد تأیید قرار گرفت.

### موضوع‌شناسی

مطلب دیگری که بعد از این بحث به آن پرداختیم، تحت عنوان موضوع‌شناسی بود؛ بحث موضوع‌شناسی تا آخر سال ادامه پیدا کرد. یکی از مهم‌ترین مشکلات، عدم شناخت دقیق موضوع و سیر تطورات و تحولات موضوع بحث مخصوصاً در این مورد خاص است.

### ۱. پول

اولین موضوعی که ما آن را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دادیم، پول بود؛ یکی دو موضوع دیگر هم هست که امسال به آن خواهیم پرداخت و ان‌شاءالله وارد بحث اصلی می‌شویم. در مورد پول، چندین مطلب تا اینجا ذکر کردیم.

#### جهت اول: مراحل دهگانه پول

در جهت اول سیر تطور پول و مراحل پولی که پول از ابتدا تا امروز طی کرده، ذکر شد. ما ده مرحله برای پول بیان کردیم و گفتیم پول از آغاز چه بود و به مرور چه شد و اکنون چه شده است؛ ما این ده مرحله را بیان کردیم.

#### جهت دوم: تعریف پول

جهت دوم در مورد پول، تعریف پول بود؛ اینکه اساساً پول به چه معناست و چه تعریفی دارد. گفتیم اگر بخواهیم تعاریف پول را دسته‌بندی کنیم، چهار دسته تعریف برای پول وجود دارد: یک عده پول را از منظر حقوقی تعریف کرده و گفته‌اند پول چیزی است که قانون آن را به رسمیت بشناسد. برخی پول را با توجه به کارکردها و وظایف ذاتی آن معرفی کرده‌اند. بعضی پول را با بیان مصادیق آن شناسانده‌اند. یک عده هم پول را با توجه به دو رکن وساطت در مبادله و مقبولیت عامه تعریف کرده‌اند.

نظر برگزیده و مورد قبول ما درباره تعریف پول، این شد که پول چیزی است که دارای ارزش مبادله‌ای بوده و مورد رغبت عمومی واقع شود؛ همان دسته چهارمی که اشاره شد. البته سایر تعاریف هم مورد بررسی قرار گرفت و اشکالات آنها بیان شد.

#### جهت سوم: تقسیمات پول

جهت سوم درباره پول، مربوط به تقسیمات پول بود. عرض کردیم پول دارای تقسیمات مختلف به اعتبارات مختلف است: یک تقسیم، تقسیم به اعتبار سیر تکاملی پول بود؛ گفتیم پول به اعتبار سیری که تاکنون طی کرده، به انواع و اقسامی مثل پول کالایی، پول فلزی، پول کاغذی، پول الکترونیکی و برخی دیگر از انواع پول تقسیم می‌شود.

تقسیم دوم، تقسیم پول به اعتبار وجود ارزش مصرفی و عدم آن بود؛ گفتیم پول به این اعتبار به دو قسم پول حقیقی و پول اعتباری تقسیم می‌شود. پول حقیقی پولی است که در آن هم ارزش مصرفی وجود دارد و هم ارزش مبادله‌ای؛ هر چند ارزش مصرفی آن از ارزش مبادله‌ای آن جدا شده و تنها ارزش مبادله‌ای پول مورد توجه قرار گرفته است؛ مثل درهم و دینار که طلا و نقره‌اند. خود طلا و نقره ارزش مصرفی دارند، اما در درهم و دینار، ارزش مبادله‌ای جایگزین ارزش مصرفی شده است. پول اعتباری پولی است که صرفاً واجد ارزش مبادله‌ای است و هیچ ارزش مصرفی ندارد و به تعبیر برخی ارزش مصرفی آن در ارزش مبادله‌ای آن است. ارزش پول اعتباری به اعتبار معتبر است؛ لذا به محض اینکه آن اعتبار سلب شود، هیچ ارزش و

فایده‌ای ندارد.

تقسیم سوم، تقسیم پول به اعتبار ناشر آن بود؛ عرض کردیم گاهی پولی را یک دولت و حکومت مرکزی نشر می‌دهد و گاهی پول را مؤسسات و نهادهای مالی و بانکی غیردولتی یک پولی را نشر می‌دهند و به جریان می‌اندازند. البته خود این دو قسم هم دارای اقسام گوناگون هستند.

تقسیمات پول بر پول در دوره اسلامی هم به دنبال بحث از تقسیمات مطرح شد؛ یعنی انواعی که برای پول ذکر شده، مخصوصاً انواعی که به لحاظ سیر تکاملی پول پدید آمده، اینها را در دوران اسلامی از ابتدا تا امروز اجمالاً تطبیق کردیم. پول فلزی و ادواری که پول فلزی در عصر اسلامی طی کرده، مراحلی که هر کدام از این دوره‌ها داشتند، پول حقیقی در عهد اسلامی، پول اعتباری در دوره اسلامی، پول نقد و بدهی در دوره اسلامی، اینها همه ذکر شد.

#### جهت چهارم: تحلیل ماهیت پول

جهت چهارم در رابطه با پول که متفاوت از جهت اول است (تعریف) مربوط به ماهیت پول بود. یعنی ما به تحلیل ماهیت پول و آراء و نظاری که در این رابطه وجود دارد، پرداختیم. اینکه حقیقت پول چیست؟ یک وقت ما یک شیء را تعریف می‌کنیم؛ تعریف بیشتر شرح الاسم و لفظی است؛ حتی اگر تعریف حقیقی باشد، جنس و فصل آن شیء را بیان می‌کند. اما یک وقت ما می‌خواهیم آن را بشکافیم و حقیقت آن را به لحاظ کارکردها و تأثیراتش عمیق‌تر از آنچه که در تعریف می‌آید مورد بررسی قرار بدهیم. لذا جهت چهارم در موضوع شناسی پول، مربوط به تحلیل ماهیت پول بود. عرض کردیم در مورد حقیقت و ماهیت پول، سه نظریه عمده وجود دارد؛ یکی اینکه حقیقت پول همان قدرت خرید است؛ این تحت عنوان نظریه قدرت خرید مطرح شده است. دیگر اینکه حقیقت پول به همان اعداد و ارقامی است که بر روی آن حک و نوشته شده است؛ از این نظریه، با عنوان نظریه ارزش اسمی یاد می‌کنند. نظریه سوم که برخی از بزرگان به آن ملتزم شده‌اند، این است که پول سند و حواله کالا است؛ یعنی یک کاغذ و ورقه‌ای است که یک مقداری از کالا را با یک ارزش معین نمایندگی می‌کند که از آن به حواله انبار یا سند کالا تعبیر کرده‌اند. این سه نظر در بین دانشمندان اسلامی و فقهای شیعه طرفدارانی دارد؛ مثلاً شهید صدر قائل به نظریه قدرت خرید است؛ برخی از فقها یا اکثر فقها همان نظریه ارزش اسمی را قائل‌اند و برخی مثل مرحوم شهید بهشتی و شهید مطهری هم قائل به این هستند که حقیقت پول همان سند کالا یا حواله انبار است. البته این سه نظریه اصلی مبتنی بر بعضی از انظار اقتصاددانان و عالمان علم اقتصاد است و بسته به اینکه در هر دوره‌ای کدام نظریه غلبه داشته، توسط فقها پذیرفته شده است. تفاوت این سه نظریه و آثاری که دارد، بسیار مهم است. معلوم است نظریه قدرت خرید چه اثری می‌گذارد، نظریه ارزش اسمی چه تأثیری دارد. ما به برخی از آثار و لوازم هر یک از این نظریات اشاره کردیم.

در دنباله این بحث، که این هم از ملحقات و توابع بحث مربوط به ماهیت پول است یا می‌تواند مستقلاً مورد ملاحظه قرار بگیرد، این است که آیا پول مال محسوب می‌شود یا نه. خود اینکه مال است یا سند مال است یا اساساً کالا است، اینها خودش یک بحث جداگانه‌ای دارد. به این مناسبت، معنای مال را در لغت و اصطلاح بیان کردیم و نظر تعدادی از فقها را درباره مال و ویژگی‌های آن ذکر کردیم. نظر ما به تبع امام(ره) این شد که مال دارای دو ویژگی است؛ یکی اینکه مورد رغبت عقلاست؛ دیگر اینکه حاضر هستند به ازاء آن چیزی را به عنوان عوض یا ثمن بپردازند. این دو ویژگی در پول به عینه وجود دارد. لذا

پول قطعاً مال محسوب می‌شود و نه سند. سایر ویژگی‌هایی که برخی دیگر ذکر کرده‌اند را هم مورد بررسی قرار دادیم. البته عده‌ای بین سند بودن پول و مال بودن پول جمع کرده و گفته‌اند پول یک چیزی است که هم سندیت دارد و هم مالیت. سند مال بودن با خود مال فرق دارد؛ یک عده‌ای معتقدند پول هم سند است و هم مال است؛ ما این را بررسی کردیم و معلوم شد که اشکالات متعددی متوجه این نظر است.

به غیر از این جهت که گفتیم که تعریف ویژگی‌های مال بر پول منطبق است، از راه دیگری هم مالیت پول قابل اثبات است و آن هم ملاحظه کارکردهای اصلی و ذاتی پول است. ما گفتیم پول سه وظیفه و کارکرد ذاتی دارد؛ معیار سنجش ارزش است، وسیله ذخیره ارزش است، واسطه در مبادله است. بالاخره پول دارای یک سری کارکردهای اصلی است و این کارکردها بدون مالیت قابل تصویر نیست. یعنی نمی‌شود چیزی مال نباشد و این کارکردها را داشته باشد. این هم یک راه برای اثبات مالیت پول است. لذا ما به این نتیجه رسیدیم که پول حتماً مال است و تمام ادله‌ای که برای سند بودن پول ذکر شده یا بیان کرده‌اند، همه مورد مناقشه قرار گرفت و نتیجه این شد که پول حتماً مال است.

سؤال:

استاد: اینها توابع و عوارض این نظریات است که ما بعداً اینها را بررسی می‌کنیم؛ یعنی اگر کسی مبنای اول را اختیار کند و مثلاً معتقد باشد که حقیقت پول عبارت از قدرت خرید است یا با یک ضمیمه‌ای، چون خود کسانی که حقیقت پول را قدرت خرید می‌دانند، بین خود آنها هم یک تفاوتی وجود دارد؛ بعضی‌ها یک اضافه‌ای را ذکر می‌کنند. اما اجمالاً در هنگام اداء دین، در مهریه و در خیلی از امور، در قرض، خمس، همه آن مواردی که این بحث اثر می‌گذارد که ما اوایل سال گذشته به آن اشاره کردیم، طبیعتاً باید قیمت روز ملاک قرار بگیرد. اما کسانی که قائل به نظریه ارزش اسمی هستند، عمدتاً به این ملتزم نیستند. هر چند برخی در نوشته‌ها و مقالاتی که از آنها منتشر شده، به نوعی خواسته‌اند جمع کنند بین نظریه ارزش اسمی و لزوم پرداخت بدهی و امثال آنها به قیمت روز. این یک راهی است که برخی طی کرده‌اند که هم نظریه ارزش اسمی را ملتزم شدند و هم در عین حال می‌گویند اگر اینگونه ما تحلیل کنیم، طبیعتاً این قیمت باید ملاک قرار بگیرد. کسی که این را سند کالا می‌داند، او هم همینطور؛ اگر ما بپذیریم که حقیقت و ماهیت پول، سندیت کالا و حواله انبار است، طبیعتاً این سند اگر خود کالا باشد در پرداخت تأثیر می‌گذارد؛ اگر سند آن ارزش اسمی کالا باشد، طبیعتاً همانچه که در گذشته دریافت کرده، همان را باید بپردازد.

این تقریباً محصل ۳۰ جلسه بحث سال گذشته بود، یک بحث مقدماتی داشتیم؛ بعد به موضوع شناسی پول پرداختیم و چون پول ابعاد و زوایای مختلفی دارد، ما به این ابعاد و زوایا اشاره کردیم. تا اینجا ملاحظه فرمودید چهار جهت از جهات مربوط به پول مورد بررسی قرار گرفت؛ چند جهت دیگر که آنها هم خیلی مهم است، باقی مانده که ان‌شاءالله در جلسه آینده عرض خواهیم کرد تا بعد وارد بحث بعدی شویم؛ یعنی هنوز یک مقداری از موضوع شناسی باقی مانده و بعد بحث اصلی را آغاز می‌کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»